



گذری بر «جواهر التفسیر» کاشفی سبزواری

جواد عباسی

مجموعه‌ای از عوامل دیگر، انگیزه این کار بود. متن مذکور که شامل مباحث علوم قرآنی و تفسیر سوره حمد می‌شود در مدت زمان حدود دو سال نوشته شده است، یعنی حدود سالهای ۸۸۶ تا ۸۸۸ هجری قمری. اما انجام تصحیح این قسمت حدود دو سال و نیم وقت گرفت، به بیان دیگر، حدود چهار هزار ساعت وقت مفید. اصل متن در مقابله چهار نسخه، تصحیح تلفیقی و مقدمه‌ای در معرفی کاشفی، آثار او و بالاخص جواهر التفسیر نگاشته شد. این مقدمه کمتر از آن چیزی است که در نظر داشته‌ام، اما ضرورت‌های مربوط به مقدمه کتاب نگذاشته از صد صفحه فراتر روم. در این معرفی کوتاه خلاصه‌ای از مباحث همان مقدمه آورده می‌شود؛ این مباحث در سه بخش ترتیب می‌یابد که چنین است:

الف- زندگی کاشفی

۱. کاشفی در سبزواری به دنیا آمد. در جوانی به مشهد می‌رود و بلافاصله راهی هرات می‌شود. او مسافرت‌هایی نیز داشته است که سفرهای او به سبزواری مشخص می‌باشد، ولی سفرهای احتمالی دیگرش مشخص نیست. آرامگاه او در هرات است.

۲. ارتباط خانوادگی کاشفی با جامی: کاشفی شوهر خواهر جامی است. سه نظر دیگر از جانب نویسندگان مختلف ذکر ورد شد. مسلم است که پسر او - یعنی فخرالدین علی - باجناب جامی می‌باشد، اما مشخص نیست که آیا فخرالدین خواهر زاده جامی بوده است یا نه.

۳. وفات کاشفی یقیناً در سال ۹۱۰ ه.ق. بوده و سالهای دیگر که برخی ذکر کرده‌اند، خطا می‌نماید.

۴. به احتمال قوی مذهب او شیعه اثنی عشری است، اما نه با نمودی به گونه امروزی؛ بلکه همراه با کتمان و تقیه و منطبق با توصیف سمحه سهله.

به قرن نهم هجری سفر کنیم و سری به شهر هرات بزنیم. در آن روزگار این شهر پایتخت فرهنگی آسیا محسوب می‌شد. تیموریان از یک سو وارث اقتدار حکومتی مغولان بودند، و از دیگر سو میراث خوار فرهنگ ملل آسیا و بخصوص ایرانیان. نظری به افکار مردم آن دوره بیفکنیم. پس از سقوط حکومت خوارزمشاهیان بتدریج تحولی در بینش صاحب‌نظران به وجود آمد. فعلاً مجال آن نیست که به ارتباط میان ورود مغولان و تغییر دیدگاه اندیشمندان این دیار بپردازیم. اما آنچه مسلم است تصوف و عرفان از قرن هفتم رواج عمومی یافت و از انزوا خارج گشت. تا پیش از این، هرگاه بزرگان عرفان و تصوف جرأت کرده، به افشای افکارشان پرداخته بودند با حکم اعدام مواجه شده بودند. افرادی نظیر حلاج، عین‌القضات همدانی و شیخ شهاب‌الدین سهروردی در این میان شهرت بیشتری دارند.

از قرن هفتم به بعد با گسترش عرفان و تصوف، بتدریج برخی گرایش‌های علمی - تحقیقی نیز رونق بیشتری یافت. یکی از این مباحث، مبحث حروفی‌گری، یا تحقیقات حروفی می‌باشد.

در این جامی خواهیم از تفسیری ادبی، عرفانی و حروفی سخن بگوییم. جواهر التفسیر از ملاحسین واعظ کاشفی که در اواخر قرن نهم و در شهر هرات نوشته شد. ملاحسین واعظ کاشفی سبزواری (م. ۹۱۰ ه.) از علمای جامع‌العلوم آن دوره محسوب می‌شود و در شاخه‌های مختلف علمی - ادبی صاحب‌نظر و صاحب تألیف بوده است، از جمله: تفسیر، ریاضی، نجوم، انشا، علوم غریبه، شعر و علوم دینی. اما مهمترین وجه شهرت او در زمان حیاتش به تفسیر گویی می‌باشد. خواندمیر، تاریخ نویس پرآوازه قرن دهم، در زمان حیات کاشفی در مورد او چنین می‌گوید: «... حالا در دیار خراسان مفسری مانند آن جناب نمی‌توان یافت...»^۱

اما آنچه ما را به گفتن این مطالب می‌کشاند، تصحیح جواهر التفسیر است. توان علمی کاشفی و نیز ارزش این تفسیر به همراه

۵. قضاوت امروزی در مورد او یا از طرف برخی از متدینین بر اساس روضه الشهداء است؛ این قضاوت نامستدل و یک سویه می‌نماید. و یا از طرف برخی از ادبا و مستشرقین بر اساس انوار سهیلی، که آن نیز از دیدگاهی محدود و خطا می‌باشد.

۶. کاشفی در عرفان نظری متبحر بوده و در عرفان عملی نیز دستی داشته است، اما صوفی شدن او - به معنای خاص - قابل اثبات نیست.

ب- جواهر التفسیر

۱. کتابهای کاشفی، آن طور که بسیاری تصور کرده‌اند، خارج از حد شمارش نیست. در این تحقیق، فهرستی از ۳۳ کتاب او تهیه و در پنج موضوع مرتب گشته است.

۲. جواهر التفسیر یک تفسیر ادبی، عرفانی و حروفی است.

۳. جواهر التفسیر به احتمال قوی، اولین و آخرین تفسیر قرآن با گرایش به استفاده از علم حروف و اعداد یا تفسیر حروفی می‌باشد.

حروفی‌گری یا علم الحروف در دو شاخه جداگانه بررسی می‌گردد: اول از جهت علم حروف و اعداد، که از زمانی که تاریخ به یاد دارد قرآینی بر وجود آن نیز وجود دارد. دوم از جهت نهضت حروفیه که در دوره تیموری و به رهبری شیخ فضل الله استرآبادی واقع شده

است. این نهضت شبه صوفیانه و به نوعی بدعت آمیز می‌باشد.

۴. عنوان جواهر التفسیر به احتمال قوی بدون کم و زیاد و به همین صورت است. دو عنوان دیگر به نام «عروس» و «زهر اوین» نیز برای این تفسیر به کار رفته که هر دو مربوط به دوره اخیر است، و اعتبار چندانی ندارد.

۵. کتابی که با نام مختصر الجواهر توسط برخی در شمار کتابهای کاشفی آمده، وجود خارجی نداشته و ندارد، و به واسطه یک اشتباه در آثار متأخرین زاده شده است.

ج- سبک ادبی

۱. نثر در دوره تیموری فقط مصنوع و متکلف نیست. در این دوره انواع گوناگون نثر دیده می‌شود. این تنوع ادبی به همان گونه

که در آثار نویسندگان مختلف یافت می‌شود، گاهی نیز در آثار یک نویسنده دیده می‌شود.

۲. کاشفی در آثار متعدد خود به سبکهای مختلف نثر قلم زده، و تقریباً در همه آنها استادیش آشکار است:

سبک متکلف: انوار سهیلی

سبک مرسل: مواهب علیّه

سبک بینابین همراه با آرایه‌های ادبی: جواهر التفسیر

۳. کاشفی در شعر سبک عراقی را برگزیده، اما آن گونه سبک عراقی که در آستانه تبدیل به سبک هندی یا مقدمه آن بوده است.

کاشفی در خاستگاه مکتب هرات زیسته و مبانی هنری - ادبی این مکتب در نظم و نثر او دیده می‌شود.

۴. کاشفی ضمن آنکه توانایی

نوشتن به عربی را داشته - و البته نوشته‌هایی به عربی از او موجود است -

اما همه آثار موجود او به زبان فارسی است. شاید با یک استقرای ناقص

بتوانیم بگوییم او اولین دانشمند فارسی زبان پُر تألیف است که ضمن

آنکه در شاخه‌های علمی مختلف اثری به جای گذاشته، همه آثارش به زبان

فارسی است.

۵- جواهر التفسیر دارای برخی

ویژگی‌های ادبی - عرفانی - حروفی

است که باعث می‌شود در میان

تفسیرهای قرآن، جایگاه ویژه‌ای بیابد.

۶- جواهر التفسیر به دو سبک مختلف ادبی - تفسیری نوشته

شده است. در بخش سوره حمد، از نظر تفسیری، بحثها کاملاً مفصل و مشروح آمده، و از نظر ادبی زیبا ساختن متن با آرایه‌های بلاغی

مورد نظر بوده است. اما در بخش دوم یعنی از ابتدای سوره بقره تا آیه ۸۴ از سوره نساء، به تدریج از کمیت تفسیر و آرایه‌های آن کاسته

شده است؛ و شاید به همین دلیل کاشفی از ادامه این تفسیر منصرف شده و به نوشتن تفسیری خلاصه و مختصر از ابتدای قرآن همت



پی‌نوشت:

۱. ر.ک: مآثر الملوک؛ غیاث الدین حسینی (معروف به خواند میر)؛ تصحیح میرهاشم محدث؛ مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۲، صص ۲۱۱-۲۲۲.

